درس 30

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
امثال
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد، چه آموخته‌ايد (امثال 6، 7، 8، 10)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد. يادداشت برداريد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: عظمت خدا
مرور: دو به دو مجموعة «عظمت خدا» را مرور كنيد.

4 بررسي كتاب‌مقدس (90 دقيقه)
روميان 8: 1-17

مقدمه:
در روميان فصل‌هاي 1-5 پولس وضعيت عادل‌شمردگي را تشريح نمود و روشن ساخت كه شريعت قادر به تأمين عادل‌شمردگي نيست. در روميان فصل‌هاي 6-7، او وضعيت تقدس و فرايند تقديس را توضيح داد و روشن ساخت كه شريعت قادر به توليد تقديس نيز نمي‌باشد. در روميان فصل 8، پولس امنيت و اطميناني را كه در نجات مسيحيان هست، تشريح مي‌كند.
نجات مسيحيان كه قصد و هدف خداي پدر بود، و به لياقت پسرش عيسي مسيح بدست آمد، و بواسطة روح‌القدس اِعمال مي‌شود، و در انجيل اعلام مي‌گردد (1:16)، بطور مطلق قطعيت دارد!
1- نجات مسيحيان امنيت و قطعيت دارد زيرا كه ايشان از قدرت مسلط و كنترل‌كنندة طبيعت گناه‌آلودشان رهايي يافته‌اند.
2- نجات مسيحيان امنيت و قطعيت دارد زيرا نجات ايشان عملاً در تولد تازه و تقديس قلب و زندگي‌شان به‌واسطة روح‌القدس آغاز گشته است.
3- نجات مسيحيان امنيت و قطعيت دارد، زيرا ايشان فرزندخواندگان خدا و وارثان جلال آتي او مي‌باشند.

گام 1: قرائت
قرائت: روميان 8: 1-17 را با هم بخوانيم.
هر يك از ما به‌نوبت يك آيه را بخوانيم تا قرائت تكميل شود.

گام 2: كشف كردن
ملاحظه: كدام حقيقت در اين بخش براي شما مهم است؟
يا: كدام حقيقت در اين بخش فكرتان يا قلبتان را لمس مي‌كند؟
يادداشت: يك يا دو حقيقت را كه درك مي‌كنيد كشف نماييد، در موردشان تفكر كنيد، و فكرتان را در دفترتان يادداشت كنيد.
در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به فكر كردن و يادداشت كردن گذراندند، بخواهيد كه به‌نوبت افكارشان را در ميان بگذارند).
حالا به‌نوبت آنچه را كه كشف كرده‌ايم، با يكديگر در ميان بگذاريم.
(سطور بعدي نمونه‌اي است از اينكه چطور افراد كشفيات خود را در ميان مي‌گذارند. به ياد داشته باشيد كه در هر گروه كوچك، اعضاي گروه مطالب متفاوتي را با هم در ميان خواهند گذاشت، و نه الزاماً مطالب ذيل را.)

كشف 1ـ روميان 8: 1-4 براي من حاوي حقيقت مهمي است. مسيحيان در امنيت مي‌باشند زيرا از قدرت مسلط و كنترل‌كنندة طبيعت گناه‌آلودشان رهايي يافته‌اند.

يوحنا 5:24 وعده مي‌دهد كه مسيحيان در روز داوري نهايي محكوم نخواهند شد ، و روميان 8: 1 نيز وعده مي‌دهد كه مسيحيان تحت قصاص يا هلاكت ابدي نخواهند بود (ر.ش. متي 25:46)! علت اين امر آن است كه خدا قبلاً در طبيعت ضعيف‌شدة مسيح (8:ـ 3)، طبيعت گناه‌آلودشان را محكوم ساخته است ، و همچنين قصور هولناك آن و قدرت مسلط آن را. روح‌القدس مسيحيان را از قدرت مطلق مسلط و كنترل‌كنندة طبيعت گناه‌آلودشان آزاد ساخته است (8:ـ 2). شريعت همانا اقتضاي مطلق خدا براي عادل‌شمردگي (نجات) مي‌باشد و نيز قاعده مطلق خدا براي وظايف زندگي مطابق احكام اخلاقي خدا (ده فرمان). آنچه كه خدا به‌سبب طبيعت گناه‌آلود انسان نمي‌توانست از طريق شريعتش انجام دهد، همان را از طريق عيسي مسيح انجام داد زيرا گناه و قدرت آن را در بدن عيسي مسيح بر صليب محكوم ساخت (ر.ش. اول پطرس 2:24؛ (8:ـ 3). بدين طريق، نه فقط عادل‌شمردگي، بلكه تقديس نيز امكان‌پذير و تبديل به واقعيت مي‌شود. اقتضاي عادلانه شريعت در خصوص عادل‌شمردگي و تقدس چيزي جز اطاعت 100% از خدا و اراده‌اش و كاملیت 100% در زندگي شخصي انسان نمي‌باشد! هيچيك از اعقاب آدم هرگز نمي‌توانست چنين مطالبه و اقتضايي را انجام دهد! اما عيسي مسيح اين اقتضاها را به جاي هر فردي كه به او ايمان آورد، انجام داده است! انسان اگر ديگر مطابق طبيعت گناه‌آلودش زندگي نكند، بلكه مطابق ارادة روح‌القدس زندگي كند، ثابت مي‌كند كه ايماندار واقعي است. «روح» حيات همچون قدرت نوين در زندگي ايماندار عمل مي‌كند. اطاعت از مسيح و تقديسي كه به‌دنبال آن مي‌آيد، به‌هنگام تولد تازه آغاز مي‌شود (ر.ش. اعمال 5:32؛ اول پطرس 1:2) و فقط زماني به كمال مي‌رسد كه ايمانداران مسيح را رو در رو ببينند (ر.ش. اول يوحنا 3:1-3). روح‌القدس به تقديس ايمانداران ادامه مي‌دهد تا زماني كه سرانجام از بدن كنوني‌شان رهايي يابند، از بدني كه طبيعت گناه‌آلود و مرگ، چنين عواقب وخيمي را بوجود مي‌آورد (ر.ش 24:7-25؛ اول قرنتيان 15:54-57) (8: 4).

كشف 2ـ در روميان 8:ـ 5-13 براي من حقيقت مهمي وجود دارد. مسيحيان در امنيت هستند، زيرا نجاتشان قبلاً به‌هنگام تولد تازه و تقديسِ قلب و زندگي‌شان توسط روح‌القدس، آغاز گشته است.

الف) مسيحيان از آنجا كه از قدرت مسلط و كنترل‌كنندة طبيعت گناه‌آلودشان رهايي يافته‌اند، ديگر مطابق طبيعت گناه‌آلودشان زندگي نمي‌كنند، بلكه مطابق روح‌القدس (ر.ش. غلاطيان 5:16-26). مسيحيان روح‌القدس را دارند، و تحت حاكميت او زندگي مي‌كنند، و نتيجتاً فكر او را دارند. فكر روح‌القدس همان روش تفكر يا طرز فكر روح‌القدس است. يعني اينكه مسيحيان افكار و نگرشهاي روح‌القدس را دارا مي‌باشند؛ امور را همانگونه مي‌بينند كه روح‌القدس مي‌بيند؛ همان اهداف و خواست‌ها و تلاشهاي او را دارند! مسيحيان فكر خود را معطوف به روح‌القدس مي‌سازند، يعني علائق و اهداف خود را همواره بر اموري متمركز مي‌سازند كه مورد خواست و تأئيد روح‌القدس است و خدا را نيز جلال مي‌دهد. فكر روح‌القدس منتهي به حيات مي‌گردد كه همانا شناخت و مشاركت با خداست (ر.ش. يوحنا 17:3). همچنين منتهي به آرامش و سلامتي مي‌گردد، يعني همان اطمينان دروني از اينكه گناهان گذشته بخشوده شده‌اند و بديهاي كنوني به خيريت خواهد انجاميد (8:ـ 28) و اينكه هيچ رويدادي در آينده نمي‌تواند ايشان را از محبت خدا جدا سازد (8: 31-39) (8: 5-8)!

ب) غيرمسيحيان «روح» را ندارند، و پيوسته تحت حاكميت طبيعت گناه‌آلود و تباه خود زندگي مي‌كنند و علائق و اهدافشان معطوف به امور فاسد و دنيوي است. براي غيرمسيحيان از نظر اخلاقي و روان‌شناختي غيرممكن است كه خود را مطيع خدا و اراده‌اش سازند، زيرا نحوة تفكرشان، نگرششان به جهان و ديدگاهشان كاملاً با خدا در خصومت و دشمني است. آنان مطيع خدا نمي‌شوند و نمي‌توانند هم بشوند. ايشان نمي‌توانند خدا را خشنود سازند. اين امر منتهي به مرگ يعني دوري و بيگانگي از خدا مي‌گردد، حتي به دشمني مداوم با خدا، ناتواني در مقابل ناپاكي و ناعادلي در زندگي‌شان، و سرانجام فلاكت ابدي (8: 5-8).
كساني كه روح‌القدس را ندارند، تحت سلطه و كنترل طبيعت گناه‌آلودشان مي‌باشند. چنين كساني نمي‌توانند مسيحي باشند! اما آنان كه روح‌القدس را دارند، تحت سلطه و كنترل روح‌القدس مي‌باشند. چنين اشخاصي روح خداي زنده يا روح مسيح را دارند كه در ايشان زندگي مي‌كند. به‌عبارت ديگر، چنين اشخاصي، عيسي مسيح را دارند كه در ايشان زندگي مي‌كند و ايشان متعلق به عيسي مسيح‌اند (8: 9-10 a)!

ج) مسيحيان با وجود قدرت تباه‌كنندة طبيعت گناه‌آلودشان كه هنوز در ايشان فعال است، به‌واسطة سكونت روح‌القدس متمايز مي‌باشند. از آنجا كه طبيعت گناه‌آلود هنوز در بدن فيزيكي‌شان فعال است، بدن فيزيكي مسيحيان محكوم به مرگ است. اما از آنجا كه مسيحيان به‌واسطة ايمان عادل شمرده شده‌اند، روح انساني ايشان هنوز زنده است. روح انساني ايشان زنده است زيرا روح‌القدس در ايشان زيست مي‌كند (ر.ش. يوحنا 3:3-5)! برخورداري از روح‌القدس كه در قلب و زندگي‌شان حاضر است، شرط و مرحلة اوليه نجات ايشان مي‌باشد! برخورداري از روح‌القدس كه در قلب و زندگي‌شان حاضر است، همچنين تضميني است كه بدن فاني‌شان قيام خواهد كرد و نجاتشان 100% تكميل خواهد شد (8: 10-11 b)!

د) بنابراين، مسيحيان در قبال خدا تعهد و وظيفه‌اي دارند. ايشان ديگر وظيفه و دِيني به طبيعت گناه‌آلودشان ندارند و موظف نيستند مطابق آن زندگي كنند. كساني كه فكر مي‌كنند مسيحي هستند اما با اينحال مطابق طبيعت گناه‌آلود خود زندگي مي‌كنند، ايشان حتماً خواهند مرد. اما مسيحيان واقعي تحت حاكميت روح‌القدس قرار دارند و اعمال بد طبيعت گناه‌آلودشان را كه در اعضاي بدنشان فعال است، به مرگ خواهند سپرد. مسيحيان واقعي مي‌توانند چنين كنند، و بايد چنين كنند، و چنين نيز خواهند كرد! ايشان با قدرت روح‌القدس كه در ايشان ساكن است، بارها و بارها هوس‌ها و انگيزه‌ها و احساسات و اهداف گناه‌آلود خود را خواهند كشت (8: 12-13).

كشف 3. روميان 8: 14-17 براي من حاوي حقيقت مهمي است. مسيحيان در امنيت هستند، زيرا ايشان فرزندخواندگان خدا و وارث جلال آتي مي‌باشند.

مسيحياني كه فعالانه تحت هدايت روح‌القدس قرار دارند، پسران خداي زنده مي‌باشند! ايشان پيش از مسيحي شدن، روح بندگي را داشتند، يعني روحي كه ايشان را اسير مي‌ساخت. ايشان از ارباب خود مي‌ترسيدند، از مجازات مي‌ترسيدند، و از طردشدگي مي‌ترسيدند. اما پس از آنكه مسيحي شدند، ايشان از «روح فرزندخواندگي» برخوردارند، يعني «روحي» كه آنان را از بندگي به پسران خانه مبدل مي‌سازد! روح‌القدس بجاي ترس، در دلشان محبت به خدا را پديد مي‌آورد، و دائماً خصوصيات فرزندان خدا را در ايشان ايجاد مي‌كند. ايشان مطمئنند كه مورد پذيرش كامل خدا قرار گرفته‌اند. و با خدا كه پدر آسماني‌شان مي‌باشد، رابطه‌اي شخصي و صميمي دارند.

پدر بودنِ خدا هيچ ارتباطي با پدران زميني ندارد، پدراني كه فرزندان فيزيكي توليد مي‌كنند. پدر بودن خدا مقوله‌اي است كاملاً روحاني. او انسان را از لحاظ روحاني توليد مي‌كند و با ايشان از لحاظ روحاني ارتباط برقرار مي‌نمايد!

روح‌القدس همواره به‌اتفاق روح انساني ايشان شهادت مي‌دهد كه ايشان براستي فرزندان روحاني خدا مي‌باشند و با عيسي مسيح در دنياي كامل آتي هم‌ارث هستند. روح‌القدس اطمينان ذهني نجات را تأمين مي‌كند (ر.ش. 5:5؛ 8:ـ 16). مكاشفه خدا در كتاب‌مقدس اطمينان عيني نجات را تأمين مي‌كند (ر.ش. 16:25-26). رنجهاي كنوني مسيحيان در اين جهان، طريق غير قابل اجتناب بسوي جلال آتي مي‌باشد!

گام 3: سؤال

ملاحظه: از اين بخش چه چيزي مايليد از گروه بپرسيد؟

سعي كنيم همه حقايق موجود در روميان 8:ـ 1-17 را درك كنيم و در مورد مطالبي كه درك نمي‌كنيم، سؤال كنيم.

يادداشت: سؤال خود را تا حد امكان روشن طرح كنيد. سپس آن را در دفترتان بنويسيد.

در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به تفكر و يادداشت كردن گذراندند، اجازه دهيد ابتدا هر كس نظرات خود را مطرح كند.)

بحث: (سپس چند تا از اين سؤالات را انتخاب كنيد و بكوشيد در بارة آنها در گروه بحث كنيد و پاسخشان را بيابيد.)

(مطالب ذيل نمونه‌هايي است از سؤالاتي كه ممكن است محصلين مطرح كنند؛ همچنين تذكراتي براي بحث در بارة سؤالات ارائه شده است.)

سؤال 1ـ (8:ـ 1-4). آيا «محكوميت» فقط به رهايي از قصور گناه اشاره دارد، يا به رهايي از قصور و قدرت گناه، هر دو؟

يادداشتها.

ترجمة روميان 8:ـ 1-4: «پس هيچ "قصاص" (يوناني: katakrima ، مجازاتي در اثر محكوميت اِعمال مي‌شود، اجراي حكم، محكوميت به هلاكت) بر آناني كه در مسيح عيسي هستند. زيرا كه شريعتِ (در معناي اصل حاكم) روح حيات در مسيح عيسي، مرا از شريعتِ (در معناي اصل حاكم) گناه و موت (شريعت گناه و مرگ همان طبيعت گناه‌آلود قدرتمند مي‌باشد) آزاد گردانيد. زيرا آنچه از شريعت (در معناي اقتضاي مطلق خدا براي نجات و قاعدة مطلق خدا براي وظايف زندگي مطابق احكام اخلاقي خدا) محال بود، چونكه به‌سبب جسم (طبيعت گناه‌آلود) ضعيف بود، خدا پسر خود را در شبيه جسم گناه (شبيه انساني با طبيعت گناه‌آلود) و براي گناه (يوناني: peri hamartias ، براي برداشتن گناه) فرستاده، بر گناه (و قدرتش) در جسم (در بدنش) (بدن عيسي مسيح كه از همان نوع بدن انسان بود به‌استثناي اينكه گناه نمي‌كرد، عبرانيان 4:15) فتوا داد (محكوم به هلاكت كرد، زمان گذشته) (بر روي صليب، اول پطرس 2:24)، تا عدالت شريعت كامل گردد در مايانى كه نه بحست جسم (طبيعت گناه‌آلود)، بلكه بر حسب روح (روح‌القدس) رفتار مي‌كنيم.»

كلمة نخست يعني «پس» به مضمون و چهارچوب پيشين باز مي‌گردد. اما كدام مضمون يا چهارچوب؟

بهترين تفسير اين است كه بگوييم به چهارچوب بلافصل يعني روميان 6:1 - 7:25 و خصوصاً روميان 7:14-25 باز مي‌گردد، و اينكه پولس به رهايي از قصور گناه و قدرت گناه فكر مي‌كند و از هلاكت يا مجازاتي كه اين هر دو فرا مي‌آورند. پولس نتيجه مي‌گيرد كه بدون تقديس، هيچ عادل‌شمردگي وجود ندارد !

الف) قصاص يعني اجراي حكمي كه صادر شده است.
در اين چهارچوب، كلمة «قصاص» به‌معناي اعلام محكوميت يا داوري بر قصور گناه نيست، بلكه بيشتر اجراي حكم محكوميت بر قدرت گناه است به‌واسطة فروپاشي قدرت گناه! در روميان 5:ـ 18، اول قرنتيان 11:32، دوم پطرس 2:6، همان كلمه معناي هلاكت يا مجازات دنياي گناه‌آلود و خدانشناس را دارد. اين قصاص قبلاً اعلام شده و اجراي آن از پيش آغاز شده است! اجراي هلاكت سرانجام به‌هنگام بازگشت عيسي مسيح به‌كمال خواهد رسيد. اين امر پيروزي مسيحيان بر دنياي گناه‌آلود و مردم گناهكار را قطعي مي‌سازد! به همين شكل، در روميان 8:ـ 1، اصطلاح «قصاص» (يا محكوميت) به‌معناي مجازاتي است كه بدنبال محكوميت، اجراي حكم، و محكوميت به هلاكت اِعمال مي‌شود. شخصي كه در عيسي مسيح است، تحت قصاص نيست، او به هلاكت ابدي سپرده نخواهد شد! اما قدرت طبيعت گناه‌آلود يا تباه‌شده در ايماندار يكبار براي هميشه تحت قصاص آمده، و هلاكتش از پيش آغاز شده است! اجراي هلاكت سرانجام به‌هنگام بازگشت مسيح به‌كمال خواهد رسيد، آن گاه كه بدن فيزيكي مسيحيان نيز قيام كند. اين امر «وضعيت تقدسِ» كنوني مسيحيان را قطعي مي‌سازد، يعني «سرسپردگي و توانايي برخورداري از زندگي نوين و مقدَس را!

ب) قصاص گناه در طبيعت گناه‌آلود، اقتضاهاي عادلانة شريعت را تحقق بخشيد (8: 4)
خدا به‌واسطة كار تكميل‌شدة نجات توسط مسيح، قدرت گناه را در طبيعت گناه‌آلود ايمانداران تحت قصاص آورد با اين هدف كه اقتضاهاي عادلانه شريعت يك بار براي هميشه در زندگي ايمانداران تحقق يابد. «شريعت» اقتضاي مطلق خدا براي نجات است، و قاعدة مطلق خدا براي وظايف مربوط به زندگي مطابق احكام اخلاقي خدا، و معيار مطلق خدا براي داوري و محكوميت مي‌باشد. بدينسان، شريعت خدا، هم تجلي شرط خدا براي عادل‌شمردگي (نجات) است، و هم هدف خدا براي تقديس. شرط خدا براي عادل‌شمردگي و هدف خدا براي تقديس چيزي كمتر از كمالِ 100% را نمي‌طلبد! عيسي مسيح اين شرط براي عادل‌شمردگي (نجات) و اين هدف براي تقديس را براي هر كسي كه به او ايمان بياورد، تحقق بخشيد. از آن لحظه به بعد، خدا به مسيحيان به ديدة اشخاصي كاملاً عادل شده و كاملاً تقديس شده مي‌نگرد و با آنان به همين گونه عمل مي‌كند (اول قرنتيان 1:30)! به همين دليل است كه يگانه فخري كه مسيحيان مي‌توانند داشته باشند، افتخار كردن به كار تكميل‌شدة عادل‌شمردگي و تقديس توسط مسيح مي‌باشد كه به جاي ايشان انجام داد (اول قرنتيان 1:31)!
از آنجا كه عيسي مسيح از پيش به لياقت خود وضعيت تقديسِ مسيحيان را كسب نموده است، فرايند تقديس در زندگي مسيحيان به اين وسيله تضمين‌شده و قطعي است! تقديس مسيحيان شامل برخورداري از زندگي مطابق احكام اخلاقي خداست. با سكونت و كنترل روح‌القدس، مسيحيان مي‌توانند و مي‌خواهند كه مطابق احكام اخلاقي خدا زندگي كنند، و چنين نيز خواهند كرد. تقديس مسيحيان اكنون ممكن و واقعي است، و در آينده به‌كمال خواهد رسيد! بدين طريق، اقتضاهاي عادلانة شريعت خدا بطور كامل تحقق يافته است! به بياني ديگر، اقتضاهاي عادلانة شريعت خدا بطور كامل فقط توسط عيسي مسيح و زندگي او و مرگ و قيامش تحقق يافته است و نيز به‌واسطة زيستنِ كامل مسيح در ايماندار و از طريق او، به‌وساطت روح‌القدس!

سؤال 2. (8: 1-4). «شريعت روح» و «شريعت گناه و موت» به چه چيز اشاره دارند؟
يادداشتها.

الف) اشاره دارند به روح‌القدس در نقطة مقابل طبيعت گناه‌آلود.
بر اساس روميان 7:21،23،25، بهترين تفسير اين است كه كلمة شريعت به‌معني قدرت مسلط باشد. روح‌القدس در مسيحيان همان شريعت يا اصل مطلق حاكم مي‌باشد. به همين شكل، طبيعت گناه‌آلود در غير مسيحيان همان شريعت يا اصل مطلق حاكم مي‌باشد و هنوز نيز در طبيعت كهنة مسيحيان اصلي است نيرومند. طبيعت گناه‌آلود، شريعت گناه و موت ناميده شده است، زيرا نيروي حاكم و مسلط در پس هر نوع گناه در انسانهاست و زمينه‌اي است براي هر چه كه منتهي به مرگ مي‌شود.
در غيرمسيحيان فقط يك نيروي مسلط و كنترل‌كننده وجود دارد، يعني طبيعت گناه‌آلودشان كه هر نوع ثمره‌اي را براي موت توليد مي‌كند (ر.ش. غلاطيان 5:19-21). شخص بي‌ايمان جز تبعيت از اقتضاهاي آن كاري ديگري نمي‌تواند بكند.
در شخص مسيحي، دو نيروي متخاصم وجود دارد: شريعت گناه و موت (طبيعت گناه‌آلودش) و شريعت روح حيات (روح‌القدس). طبيعت گناه‌آلودش هنوز نيرويي ويرانگر (7:14-25) و نيروي متخاصم هولناك (غلاطيان 5:17) مي‌باشد. اما در اصل، طبيعت گناه‌آلودش ديگر نيرويي مغلوب و نيرويي موقتي است كه فقط تا مرگ فيزيكي‌اش او را آزار مي‌رساند (اول قرنتيان 15:54-57).

ب) مسيحيان «مي‌توانند» و «بايد» زندگي نوين و مقدسي داشته باشند، و چنين نيز خواهند كرد.
در روميان 8:ـ 3-4، مانند 6:7، به بنياد قانوني تقديس اشاره شده است. قدرت طبيعت گناه‌آلود به‌واسطة كار نجاتِ تكميل‌شدة مسيح، يك بار براي هميشه محكوم به هلاكت شده است. اجراي اين هلاكت به‌واسطة كار روح‌القدس كه در فرد مسيحي زندگي مي‌كند، از پيش آغاز شده است.

اگر مسيحي برخوردار از تولد تازه مي‌توانست بطور تمام و كمال از روح‌القدس اطاعت كند، مي‌توانست بطور تمام و كمال از قدرت گناه و آلودگي آن نيز آزاد باشد! اما از آنجا كه هر مسيحي تا مرگ فيزيكي خود اين طبيعت گناه‌آلود را همواره با خود خواهد داشت، هيچ يك از مسيحيان بر روي زمين نمي‌تواند بطور تمام و كمال از قدرت گناه يا آلودگي آن آزاد باشد. فرد مسيحي فقط پس از مرگ فيزيكي‌اش از قدرت و آلودگي و حتي حضور گناه بطور مطلق آزاد خواهد بود!
با اينحال، از آنجا كه مرگ مسيح يك بار براي هميشه فرد مسيحي را از قدرت مطلق گناه آزاد ساخت (6:2، 7) و از آنجا كه روح‌القدس اين واقعيت را در زندگي او اِعمال مي‌كند (8: 2)، او مي‌تواند و بايد بر حسب «روح» زندگي كند، و نه ديگر بر حسب طبيعت گناه‌آلود (جسم) و چنين نيز خواهد كرد (8:ـ 4)! شخص مسيحي شايد در تمامي اوقات بر گناه پيروز نباشد، اما قطعاً در تمام اوقات نيز مغلوب گناه نخواهد شد. شخص مسيحي مي‌تواند و بايد بارها و بارها اعمال بد بدن را بكشد و چنين نيز خواهد كرد (8: 13)، و مي‌تواند و بايد بارها و بارها فكر خود را معطوف سازد به آنچه كه روح‌القدس مي‌خواهد و چنين نيز خواهد كرد (8: 5).

سؤال 3ـ (8: 12-14). در روميان 8: 13، پولس مي‌فرمايد: «اگر بر حسب جسم زيست كنيد، هر آينه خواهيد مرد. ل'كن اگر افعال بدن را بوسيله روح بكشيد، همانا خواهيد زيست.» آيا اين تهديدي است مبني بر اينكه مسيحيان ممكن است امنيت ابدي‌شان را از دست بدهند، يا اينكه اندرزي است براي اِعمال مسؤوليت؟
يادداشتها. اين اندرزي است در اين مورد كه طبيعت گناه‌آلود بايد كشته شود. مسيحيان مردماني هستند متعهد! ايشان مسؤوليت بسيار مهمي دارند و آن اين است كه نبايد مطابق طبيعت گناه‌آلودشان زندگي كنند، بلكه مطابق روح‌القدس كه در ايشان ساكن است. مسيحيان نبايد با طبيعت گناه‌آلودشان مدارا كنند! ايشان نبايد بكوشند كه طبيعت گناه‌آلود خود را تغيير دهند! مسيحيان بايد اعمال طبيعت گناه‌آلود خود را بكُشند! اين اعمال بد در بدن فيزيكي‌شان تجلي مي‌يابد! ايشان بايد بارها و بارها هر نوع گناهي را ريشه‌كن ساخته، از ميان ببرند، گناهاني را كه براي متجلي شدن، از بدن فيزيكي انسان استفاده مي‌كنند (6:13،19). مسيحيان مي‌توانند چنين كنند و چنين نيز خواهند كرد آنگاه كه بر حسب روح‌القدس زيست كنند. يا به بياني ديگر، هنگامي‌كه اجازه مي‌دهند مسيح به‌واسطة روح مقدسش در ايشان و از طريق ايشان زيست نمايد، او اين گناهان را در زندگي ايشان ريشه‌كن مي‌سازد.
پولس با اين بيانات، امنيت مسيحيان را خنثي نمي‌سازد. او تأكيد مي‌نمايد كه يگانه طريقي كه مسيحيان بواسطة آن مي‌توانند بگونه‌اي ذهني از نجات ابدي خويش مطمئن باشند، اين است كه بر حسب روح‌القدس زيست كنند! شخصي كه بر حسب طبيعت گناه‌آلودش زندگي مي‌كند، نمي‌تواند اطميناني به نجات خود داشته باشد و نخواهد هم داشت!

سؤال 4. (8: 14-16). چه چيز به مسيحيان اطمينان مي‌بخشد كه فرزندان خدايند؟
يادداشتها. دو چيز به مسيحيان اطمينان مي‌بخشد كه براستي فرزندان خدايند:

الف) احساس محبت نسبت به خدا ثابت مي‌كند كه مسيحيان فرزندان خدايند.
انسان پيش از آنكه ايماندار شود، داراي روح بندگي يا اسارت مي‌باشد. روح بندگي روحي است كه برده‌ها دارند. اين روح ترس و اضطراب از ارباب است، از مجازات آتي و ترس از طردشدگي از اجتماع. اما زماني كه انسان ايماندار مي‌شود، روح‌القدس را دريافت مي‌كند كه «روح» فرزندخواندگي ناميده مي‌شود. «روح» فرزندخواندگي آن روحي است كه پسران خانه دارا مي‌باشند. آن روح محبت خداست، روح ارتباط شخصي و صميمي با خدا در مقام پدر و درك عميق اين نكته كه خدا ايشان را همچون فرزندان خويش پذيرفته است! روح‌القدس در ايمانداران، احساس محبت به خدا، و اعتماد كودك‌وار به اينكه متعلق به خانوادة خدايند، و خصوصيات فرزندان خدا را پديد مي‌آورد (ر.ش. افسسيان 1:5،14).

ب) شهادت روح‌القدس در قلب مسيحيان ثابت مي‌كند كه ايشان فرزندان خدايند.
روح‌القدس خودش بارها و بارها با روح انساني مسيحيان شهادت مي‌دهد كه ايشان عملاً فرزندان خدا مي‌باشند. او پيوسته در انسانيت باطني يا وجدان برخوردار از تولد تازة مسيحيان، و در قلب و فكر ايشان، تأئيد مي‌كند و اطمينان مي‌بخشد كه عملاً فرزندان خدا مي‌باشند. روح‌القدس همواره وعده‌هاي خدا در كتاب‌مقدس را به ياد مسيحيان مي‌آورد و در ايشان اطمينان عميق پديد مي‌آورد كه خدا خودش ايشان را همچون فرزندانش دوست مي‌دارد (ر.ش. 8: 39).

سؤال 5. (8: 17). مسيحيان از چه لحاظ «هم‌ارث» با مسيح مي‌باشند؟
يادداشتها.

الف) مسيحيان در جلال مسيح سهيم مي‌باشند.
مسيحيان اكنون در جهان حاضر، هيچ ارث و مايملك دائمي دريافت نمي‌دارند. اما در آينده، در ميراث پرجلال مسيح سهيم خواهند شد كه شامل چيزي كمتر از آسمان جديد و زمين جديد نيست. مسيح در مقام سر بدنش (كليسا) و مسيحيان در مقام خودِ بدنِ او، هم‌ارث مي‌باشند! مسيح اين ميراث را بدست آورد و آن را با امت خويش تقسيم مي‌نمايد.

ب) مسيحيان بايد در رنجهاي مسيح شريك شوند تا در جلالش نيز سهيم گردند.
مسيحيان و مسيح نه فقط در ميراث پرشكوه آينده شريكند، بلكه در رنجهاي زمان حاضر نيز شريك مي‌باشند. طبق طرح ازلي خدا، مسيحيان پيش از آنكه با مسيح ميراث يابند، بايد نخست با مسيح رنج ببرند. مسيحيان در جلال مسيح شريك نخواهند شد مگر آنكه نخست در رنجهاي او شريك شوند! رنجهاي مسيحيان رنجهاي مسيح نيز خوانده شده است (كولسيان 1:24)، اما نه در معناي رنج فديه‌دهندة مسيح بر صليب در راه گناهان.
1- مسيحيان در رنجها و مصائب و اندوههاي عمومي زندگي شريكند، همانطور كه عيسي نيز در مقام «صاحب غمها» در زندگي‌اش بر روي زمين رنج كشيد. مسيحيان در اين جهان، سهمي از ضعف‌هاي عمومي، بيماريها، ناتواناييها، بلاها و جنگها، عواقب جنايات و گناهان ديگران، مشكلات ناشي از شرايط زندگي، گسستگي روابط، نوميديها، بيكاري، فقر، سرخوردگي، و نظاير آن، سهم دارند. بطور خلاصه، مسيحيان در رنجهاي دنياي سقوط‌كرده و تباه سهم دارند، همان دنيايي كه مسيح در آن زاده شد.
2- مسيحيان همچنين در رنجهاي خاص يا آزارهاي عليه مسيح و ايمان مسيحي سهم دارند. مسيحيان بخاطر نام مسيح و بخاطر او رنج مي‌كشند و زحمت مي‌بينند (ر.ش. مرقس 8:ـ 34-38). مسيحيان بايد به همان شكلي در مقابل زحمات خود واكنش نشان دهند كه مسيح نشان داد (ر.ش. اول پطرس 2: 18-23). اين رنجها شكل‌هاي متعددي به خود مي‌گيرند و در اين زمان حاضر تا بازگشت مسيح ادامه خواهند يافت. هدف خدا از رنجها و زحمات مسيحيان به علت ارضاي اقتضاهاي عدالتش نيست، بلكه بخاطر آماده ساختن مسيحيان براي شريك شدن در جلالش مي‌باشد! رنجهاي كنوني فرايندي است براي تصفيه كه مسيحيان بايد از آن بگذرند (ر.ش. اول پطرس 1:6-7). آن شرطي است لازم براي سهيم شدن نهايي در جلال مسيح.

گام 4: كاربرد
ملاحظه: كداميك از حقايق موجود در اين بخش، چيزي است كه مسيحيان مي‌توانند امروز آن را به‌كار ببرند؟
در ميان گذاشتن و يادداشت كردن: با يكديگر فكر كنيم و از روميان 8:ـ 1-17 فهرستي از كاربردهاي احتمالي تهيه كنيم.
ملاحظه: كدام كاربرد احتمالي را خدا مي‌خواهد كه شما به كاربردي شخصي براي خودتان تبديل كنيد؟
يادداشت كردن: اين كاربرد شخصي را در دفترتان بنويسيد. مي‌توانيد كاربرد شخصي‌تان را با ديگران در ميان بگذاريد.
(به ياد داشته باشيد كه در گروههاي مختلف، افراد ممكن است حقايق متفاوتي را براي كاربرد شخصي انتخاب كنند، يا حتي كاربردهاي متفاوتي را از يك حقيقت استخراج كنند. ذيلاً فهرستي از كاربردهاي احتمالي را ارائه مي‌دهيم.)

كاربردهاي احتمالي
- 8: 1؛ درك كنيد كه شما هرگز مورد قصاص و مجازات و هلاكت قرار نخواهيد گرفت زيرا كه در مسيح هستيد!
- 8: 2-3؛ بپذيريد كه روح‌القدس اكنون قدرت مسلط و كنترل‌كننده در بدن انساني و روح انساني شماست، زيرا مسيح قبلاً طبيعت گناه‌آلود و تباه‌شدة شما را محكوم به هلاكت نموده است.
- 8: 4؛ ايمان داشته باشيد كه عيسي مسيح قبلاً بطور كامل اقتضاهاي عادلانه شريعت خدا را بجاي شما تحقق بخشيده است! شما در عيسي مسيح، وضعيت و جايگاه عادل‌شمردگي كامل و وضعيت تقدس كامل را داراي مي‌باشيد (ر.ك. اول قرنتيان 1:30). لذا مي‌توانيد و بايد در فرايند تقديس خود رشد كنيد و چنين نيز خواهيد كرد.
- 8: 5؛ درك كنيد كه در اين دنيا فقط دو نوع طرز فكر وجود دارد. غيرمسيحيان دائماً در اين فكرند كه چگونه خواسته‌هاي تباهِ طبيعت گناه‌آلود خود را ارضا نمايند. مسيحيان همواره فقط مي‌كوشند كارهايي را انجام دهند كه خدا را خشنود مي‌سازد و چنين نيز خواهند كرد.
- 8: 7-8؛ درك كنيد شخص بدون روح‌القدس، با ميل يا تلاش خويش، خود را مطيع خدا يا اراده‌اش نمي‌سازد. او حتي قادر نيست با ميل يا تلاشهاي خويش، خود را مطيع خدا و اراده‌اش سازد. او نمي‌تواند وارد ملكوت خدا گردد، مگر آنكه از بالا، از روح‌القدس مولود شود (ر.ش. يوحنا 3:3-8؛ 6:44).
- 8: 9؛ ايمان داشته باشيد كه شخص بدون روح‌القدس، مسيحي نيست.
- 8: 9-10؛ بپذيريد كه روح‌القدس كسي جز روح خدا يا روح مسيح نيست. خدا يكي است. به بياني ديگر، درك كنيد كه عيسي مسيح به‌واسطة روحش در قلب و زندگي ايماندار زندگي مي‌كند.
- 8: 10-11؛ درك كنيد كه گرچه بدن فيزيكي‌تان بايد بميرد، روح‌القدس كه روح انساني شما را زنده كرده است، بدن فيزيكي‌تان را نيز قيام خواهد داد.
- 8: 12-13؛ هر مسيحي متعهد است كه بر حسب طبيعت گناه‌آلودش زندگي نكند، بلكه بايد اعمال بد طبيعت گناه‌آلود در بدن و فكر خود را به‌واسطة قدرت «روح» بكشد.
- 8: 14-15؛ ايمان داشته باشيد كه ديگر بندة طبيعت گناه‌آلود خود نيستيد، بلكه فرزند خداييد. ايمان داشته باشيد كه روح‌القدس در قلبتان نسبت به خدا محبت بوجود خواهد آورد (ر.ش. 5:5) و ارتباطي شخصي و صميمي با خدا در مقام پدر آسماني‌تان به شما عطا خواهد كرد.

- 8: 16؛ درك كنيد كه روح‌القدس دائماً به‌همراه روح انساني شما شهادت مي‌دهد كه شما قطعاً فرزند خدا مي‌باشيد.
- 8: 17؛ بپذيريد كه شما فقط زماني مي‌توانيد با مسيح هم‌ارث شويد و در جلالش شريك گرديد كه در رنجها و زحماتش نيز شريك شويد.

كاربردهاي شخصي

- من مايلم مسؤوليت خود را به‌عنوان يك مسيحي متعهد بسيار جدي بگيرم. بنابراين، مي‌خواهم هر روز بدانم كه چگونه بايد بعضي از اعمال بدِ بخصوص طبيعت گناه‌آلود خود را كه در بدن فيزيكي‌ام عمل مي‌كند، بكُشم. به كمك روح‌القدس، مي‌توانم اينها را بكشم.
- مي‌خواهم به ياد داشته باشم كه طرح خدا اين است كه من پيش از آنكه جلال او را به ارث ببرم، نخست از اين دنياي كنونيِ پر از رنج و زحمت عبور كنم. همانند همة موجودات انساني، من نيز در رنجها و مشكلات زندگي شريكم. و به‌عنوان مسيحي، در زحماتي كه بخاطر آزارها روي مي‌دهد، سهيمم. اما خدا اين زحمات را طرح ريخت تا مرا براي جلالش آماده سازد!

گام 5: دعا

دعا: هر يك از ما به‌نوبت در بارة يكي از حقايقي كه خدا از روميان 8:ـ 1-17 به ما آموخته است، دعا كنيم.

(نسبت به آنچه كه در طول اين بررسي كتاب‌مقدس آموخته‌ايد، در دعا واكنش نشان دهيد. تمرين كنيد كه فقط طي يك يا دو جمله دعا كنيد. به ياد داشته باشيد كه افراد در گروههاي مختلف، در بارة مطالب متفاوتي دعا خواهند كرد.)

5 دعا (8 دقيقه)

شفاعت

به دعا كردن در گروههاي دو نفري يا سه نفري ادامه دهيد. براي يكديگر و براي مردم جهان دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)

براي جلسه بعد

(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).

- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه «روميان 8: 1-17» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.
- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از امثال 15، 16، 17، 19 بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: آيه جديد از كتاب‌مقدس، يعني روميان 8:ـ 1 را مورد تعمق قرار داده، حفظ كنيد. هر روز، 5 آيه حفظي آخر را تكرار كنيد.
- آمادگي: مثل طبيب و بيمار از متي 9:9-13 و مثل نمك جهان و نور عالم را از متي 5:13-16. از روش 6 گام براي تفسير مَثَل‌ها استفاده كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببينيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.